

نقش سنت‌های اجتماعی در پیشرفت پایدار از منظر قرآن (با مطالعه موردی در علم اقتصاد)

قاسم ترخان*

چکیده

از دیدگاه قرآن، پیشرفت پایدار براساس سنت‌های الهی امداد، برکت، خلف و نصر امکان‌پذیر است؛ اما توسعه پایدار مصطلح هرچند مطابق با سنت الهی امداد تحقق می‌پذیرد؛ ولی با اجرای سنت‌هایی مانند احباط، تدمیر و استیصال، موجب ناپایداری جهانی در آرمان‌های ثابت بشری، در زمینه عدالت، امنیت، معنویت و محیط‌زیست می‌شود. ادعای گراف توسعه پایدار مصطلح در حداکثرسازی رفاه نسل‌های بشری و قبله‌سازی این الگو برای همه کشورها، از جمله ایران اسلامی، نیازمند پاسخی مستدل مبتنی بر الگوی قرآنی پیشرفت پایدار است. مقاله پیش رو، به دنبال تبیین راز پیشرفت پایدار در جامعه اسلامی و چرایی ناپایداری در جوامع توسعه‌یافته است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است؛ به لحاظ روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها، عمدتاً از روش تحلیلی توصیفی استفاده می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که: ۱. جوامع حق‌مدار به دلیل بهره‌مندی از سنت‌های اختصاصی برکت، خلف و نصر به پیشرفت کوثری منتهی می‌شود که پایداری این جوامع را به معنویت و عالم غیب گره می‌زند و موجب می‌شود تا پیشرفت همه‌جانبه که پایداری واقعی است تحقق پذیرد؛ ۲. جوامع غیرحق‌مدار به دلیل اجرای سنن احباط و تدمیر و استیصال از پیشرفت نکاتری برخوردارند. این پیشرفت در کیفیت و کمیت با پیشرفت کوثری متفاوت است. **واژگان کلیدی:** پیشرفت و توسعه پایدار، سنت امداد، سنت خلف، سنت برکت، سنت نصر، سنت احباط، سنت تدمیر.

۴۹

قرآن پژوهی

سال دوم / شماره ۵ / پاییز ۱۴۰۱

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مدیر گروه تخصصی علوم انسانی قرآنی، قم، ایران؛

(tarkhan86@gmail.com).

جوامع توسعه یافته مدعی اند که جوامعی با رفاه پایدار اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی هستند که به حداکثرسازی رفاه نسل حاضر اقدام می کنند بدون اینکه توانایی نسل های آتی را برای برآوردن نیازهایشان در خطر قرار دهند؛ از این رو، با «دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰»، به دنبال آنند که دیگر جوامع، مسیر طی شده آنان را دنبال کنند. با این وجود نظام جمهوری اسلامی ایران دیدمان (پارادایم) جدیدی از توسعه یا پیشرفت جامع معنوی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را مد نظر دارد.

مقاله پیش رو، به دنبال تبیین راز پیشرفت پایدار به ویژه در جمهوری اسلامی و چرایی ناپایداری در جوامع توسعه یافته از منظر سنت های اجتماعی مطرح شده در قرآن کریم است. نگارندگان به مقاله ای جامع که با چارچوب نظری مطرح شده در این نوشتار و مرتبط با علم اقتصاد، به پرسش فوق پاسخ گوید دست نیافته اند؛ هرچند درباره هر یک از موضوعات توسعه پایدار و سنت هایی مثل امداد، مکتوبات فراوانی در دسترس است.

الف. مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به محور اصلی این نوشتار، لازم است دو واژه کلیدی توسعه پایدار و پیشرفت پایدار تبیین شوند.

۱. توسعه پایدار

اولین معنای اصطلاحی این واژه در کمیسیون برانت لند ۱۹۸۷ ارائه شد: «توسعه ای که نیازهای نسل حاضر را بدون قربانی کردن توانایی نسل آتی برای تأمین نیازهایشان تأمین می کند». برخی این تعریف را به حد کفایت مبهم دانسته اند و همان بستری برای اختلاف شد (Daly, 1996, p.2)؛ به طوری که تا اوایل دهه ۱۹۹۰، بیشتر از هفتاد معنا برای توسعه پایدار ارائه شده بود (Elliott, 2006, p.9).

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) با افزودن سه هدف امروزی توسعه، کمی از ابهام تعریف قبلی را برطرف کرد: «توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه نسل حاضر است بدون این که توانایی نسل های آتی را برای برآوردن نیازهایشان در خطر قرار دهد» (OECD, 2001, The DAC Guidelines, p. 11, Elliott, 2006, p.9-11).

۲. پیشرفت پایدار

از آنجاکه واژه توسعه در ادبیات غربی با ارزش‌های سکولار همراه است برای توسعه مدنظر اسلام، از واژه پیشرفت استفاده می‌شود.^۱ از منظر قرآن پیشرفت، حرکت به سمت فلاح است که یک حرکت افقی و تغییر در ساختار صرف نیست و جنبه صعودی و طولی دارد و موضوع آن انسان است. این حرکت الزاماتی دارد مانند اینکه با آداب و سنت‌های معقول و ناظر به بعد ثابت انسانی ستیزی ندارد، علاوه بر اینکه شامل همه ابعاد انسان می‌شود و اختصاصی به بعد مادی وی ندارد. از سویی دیگر تکاملی و به‌سوی هدف‌ها است. غایت این حرکت همان رسیدن به حیات طیبه (نحل: ۹۷)؛ یعنی زندگی گوارا است که آسایش و آرامش و سعادت دنیا و عقبی را در پی دارد (ترخان، ۱۳۹۲، ص ۱۹-۴۸). تحقق این غایت در گرو پایبندی مطلق به دستورات و آموزه‌های اسلامی است (ترخان و یوسفیان، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱-۱۶۸). پیشرفت پایدار در این نگاه، پیشرفتی جامع از تمامی ابعاد معنوی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است. مسائلی مانند رفع فقر (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۶؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸)، عمر طولانی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۶۲) و توجه به آموزش و مسائلی از این دست، امری غیرقابل انکار و ارزشمند هستند؛ اما مطلوبیت آنها در سایه هدف متعالی یعنی کسب و جلب رضایت پروردگار معنا می‌یابد (همان، ج ۸۳، ص ۱۸)؛ از این رو، رفاه مورد نظر اسلام با رفاه در اقتصاد متعارف که سعادت را مرادف لذت می‌داند، تفاوت اساسی دارد. در نگاه اسلامی، رفاه غافلانه موجب کفران نعمت، فساد، غفلت و نابودی جامعه می‌شود (معصومی‌نیا و رشیدیان، ۱۳۹۴).

ب. تبیین قرآن نسبت به توسعه و پیشرفت پایدار بر اساس سنت‌های اجتماعی الهی

از منظر قرآن کریم، برخی از سنت‌های اجتماعی با حقانیت و عدم حقانیت جوامع در ارتباط می‌باشد و بر اساس آن جوامعی که حق مدار نیستند حتی اگر از دوام نسبی برخوردار باشند، به دلیل حق مدار نبودن از پایداری واقعی برخوردار نخواهند بود. تبیین ادعای فوق در گرو مباحث زیر است:

۱. مفهوم‌شناسی سنت‌های اجتماعی الهی

سنت به معنای راه و رسم، روش و رفتار و شیوه‌ای که استمرار داشته باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴،

۱. زیرا اولاً، در غالب تعاریف، نوعی سنت‌گریزی دیده می‌شود، درحالی‌که هر آنچه ریشه در گذشته دارد، مذموم تلقی نمی‌شود؛ ثانیاً، کاربرد «توسعه» بیشتر در حرکت‌های افقی و عاری از جهت‌گیری‌های تعالی‌جویانه است.

ج ۱۳، ص ۲۲۴-۲۲۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۶۰-۶۱؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۰۹؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۲).

مفسران با توجه به کاربرد واژه «سنة» در قرآن، آن را به همین معنا دانسته‌اند (طوسی؛ بی تا؛ ج ۸، ص ۳۶۲-۳۶۳. طبرسی؛ ۱۳۷۲؛ ج ۸، ص ۵۸۱ و ۶۴۵ و ج ۲، ص ۸۴۱ و ج ۶، ص ۶۶۷)؛ با این توضیح که در معنای اعم، واژه سنت شامل قوانین ثابت و لایتغیر حاکم بر پدیده‌های طبیعی، اجتماعی و فردی در عرصه‌های گوناگون تکوین و تشریح می‌شود و زمانی که به الهی اضافه می‌شود عبارت است از ضوابطی که بر اساس اسماء و صفات برای تنظیم پدیده‌های هستی وضع شده و در افعال الهی جریان می‌یابد و خداوند متعال بر پایه آنها امور جهان و انسان را تدبیر می‌کند (ر.ک؛ مصطفوی؛ ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۳۷. طباطبایی؛ ۱۳۹۰؛ ج ۱۶، ص ۳۴۰. صدر؛ ۱۳۹۸، ص ۵۰. مصباح یزدی؛ ۱۳۹۱، ص ۴۰۹). بنابراین، اولاً، سنت فعل خدا است که تحت انضباط خاصی (که ناشی از نظام اسماء الله است)، محقق می‌شود؛ ثانیاً، مقطعی نیست و استمرار دارد؛ یعنی در هر مقطعی که موضوع سنت خاص با همه شرایط آن محقق گردد، آن سنت جاری می‌شود. این دو، رکن و مقوم ماهیت سنت‌های الهی‌اند؛ از این رو، اگر دلایل و قرآینی (مانند استعمال فعل مضارع برای بیان استمرار) بر این دو دلالت کند می‌توان سنتی از سنت‌های الهی را از قرآن اصطیاد کرد.

۲. تقسیم سنت‌ها به اعتبار نتیجه

سنت‌های الهی به اعتبار نتایجی که دارند به دو دسته کلان قابل تقسیم‌اند برخی از سنت‌ها موجب پیشرفت می‌شوند و برخی دیگر پسرفت جوامع را در پی دارند. گروه اول انواع و اقسامی دارد. برخی موجب پیشرفت مادی است و در همه جوامع جریان می‌یابد و برخی به جوامع حق مدار اختصاص دارد و به پیشرفت همه جانبه منتهی می‌شود.

سنت ناظر به پیشرفت همه جوامع

برخی از سنت‌ها برای اهل باطل و اهل حق جریان می‌یابند و همین هم باعث پیشرفت اهل باطل خواهد شد.

یک. قرآن و سنت امداد و صبر و ارتباط

سنت امداد: قرآن بر این نکته تأکید می‌ورزد که به جویندگان دنیا، نصیبی از آنچه طلب کرده‌اند، داده می‌شود: «مَنْ كَانَ يَرْيُدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرْيُدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (شوری: ۲۰).

در آیه دیگری نکته فوق را در قالب سنت امداد الهی می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصَلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (اسراء: ۱۸ - ۲۰).

امداد و مد هر چیز به آن است که از نوع خودش بدان اضافه کنیم تا بدین وسیله وجود و بقایش امتداد یابد، که اگر این اضافه را نکنیم وجودش قطع می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ماده «مد» طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۶۶-۶۸).

آیات یادشده به دو گروه از سنت مطلق و مشروط اشاره می‌کند. جمله آغازین و نیز جمله پسین آن، از دو سنت مشروط حکایت می‌کند که به صورت شرطی ذکر شده و اراده انسان در شرط لحاظ شده است؛ سنت اول مربوط به اهل باطل و سنت دوم مربوط به اهل حق است.

اما با عبارت «كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ»، به جهت تقدیم کلمه «كَلَّا» به عنوان مفعول بر «نمد» مفید عمومیت است و مشروط به اراده آنها نیست و شامل دو طرف حق و باطل می‌شود. البته کمک‌های خداوند نسبت به جوامعی که در مسیر الهی گام بر می‌دارند از جهات متعددی با امداد بیشتری همراه است؛ مانند یاری با انرژی‌های پنهان و معنوی یا داشتن نقشه راه و تطابق با فطرت انسانی که در ادامه روشن خواهد شد. این مطلب از واژه‌هایی مانند «کان سعیههم مشکورا» و «نزد له فی حرثه» و... قابل فهم است.

براین اساس، اصل سنت امداد مطلق است؛ اما با توجه به اراده هر طرف نتیجه خاصی حاصل می‌شود که در اینجا می‌توان آن را مشروط به اراده‌ها دانست (طباطبایی؛ ۱۳۹۰؛ ج ۱۸، ص ۵۶-۵۷. هادوی‌نیا؛ ۱۳۸۷، ص ۱۷۳-۱۷۶).

سنت «صبر و ارتباط»: قرآن در آیاتی دیگر از این سنت نام می‌برد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰). این آیه به صورت جمله شرطی (اگر- آنگاه) بیان می‌دارد که: ای گروه مؤمنان اگر صبر فردی، صبر جمعی، ارتباطات ولایی و تقوا داشته باشید حتماً [در چارچوب یک خانواده، یک بنگاه، یک سازمان دولتی، ... و یک ملت، یا یک امت]^۱

۱. ساخت خانواده، گروه، قبیله، ایل، حزب، ملت و امت «سعادت‌مند» از آدم‌سازی سعادت‌مندانه که امری مشکل است (آدم‌شدن چه مشکل!!!) تفاوت داشته و بسیار مشکل‌تر است؛ اما قرآن کریم در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران برای آن راه‌حل ارائه کرده است. این راه‌حل مبتنی بر سنت عام الهی اجتماعی «امداد» و از مصادیق آن می‌باشد. در این

سعادت‌مند می‌شوید». مضمون شرطی تمدنی این آیه چنین است: «ای مؤمنان؛ اگر با شیطان درون و با شیطان بیرون مبارزه کنید و سازمان‌های اجتماعی ولایت‌مدار خود را ایجاد کنید و همه این امور را با تقوا و حسن فاعلی انجام دهید قهراً پیشرفت سعادت‌مندان نصیبتان خواهد شد».

این سنت الهی که می‌توان آن را در راستای سنت الهی امداد دانست بر تمامی جوامع حاکم است؛ یعنی بیان می‌کند که بدون صبر فردی و جمعی و ارتباطات اجتماعی، نظام‌های اجتماعی سکولار هم ایجاد و دوام نخواهند داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۸؛ ج ۱۶، ص ۷۷۹). جوامع گوناگون از طریق سنت مطلق الهی «آزمایش» به نظام‌سازی می‌پردازند و در ذیل سنت مقید و مشروط الهی «امداد» به پیشرفت‌هایی دست می‌یابند؛ اما سعادت در سایه تقوای الهی، ولایت‌پذیری تأمین می‌گردد.

دو. تحلیل سنت الهی امداد و صبر و ارتباط در اقتصاد

به نظر می‌رسد که نقش این سنت در حوزه اقتصاد، اساسی است. این مسئله را در حوزه اقتصاد اسلامی و حوزه اقتصاد متعارف پیگیری می‌کنیم:

در اقتصاد اسلامی: نگاهی به اقتصاد صدر اسلام و دوران تمدن اسلامی می‌تواند زوایایی از بحث را روشن نماید. برخی معتقدند نظریه اقتصاد اسلامی در این دوره زمینه‌آزمون تجربی پیدا کرد و کارکرد موفق اقتصاد ساده و کوچک آن زمان، حکایت از هماهنگی‌اندیشه و عمل در آن عصر می‌کند، به نحوی که موفقیت نظام اقتصادی اسلامی آن دوران حتی مورد تأیید منتقدان رشته اقتصاد اسلامی از قبیل تیمور کوران نیز می‌باشد (نمازی و دادگر، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲). این اقتصاد موفق از ابتدا تا انتهایش از شش لایه طولی برخوردار بود:

لایه اول: نظام اقتصادی از قبل موجود جاهلی.

لایه دوم: رفتار انسان اقتصادی مؤمن: پیامبر اسلام ﷺ ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی، فقهی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دین اسلام را با صبر خود و صبر فرد مؤمنین پیش‌تاز، برای مردم آن عصر باورپذیر کرد. در این لایه، نوع نگاه جاهلی به خدا، انسان، جهان، ثروت، کار، انفاق

آیه، قرآن کریم از گروه مؤمنان که اطلاقش شامل (خانواده، گروه، قبیله، ایل، حزب، ملت و امت) می‌شود، می‌خواهد تا با صبر، مصابره و مرابطه به ترتیب هنجارهای مشترک، نهادسازی و سازمان‌سازی مبتنی بر تقوای الهی را طراحی و اجرایی کنند و نظام‌سازی مؤمنانه خودشان را داشته و جهان اجتماعی خود را در مقابل جهان‌های اجتماعی منافقان، مشرکان و کافران ایجاد کنند.

و... تغییر ماهوی کرد و نگاه جدید اسلامی حاکم شد و ارزش‌های فوق‌الذکر تبدیل به هنجار شد و ارزش‌های جاهلی ناهنجار گردید.

لایه سوم: ترتیبات نهادی اقتصاد: هنجارها باید تثبیت شود وگره ارزش‌های جاهلی به‌زودی برخواهند گشت. پیامبر اسلام ﷺ با همراهی گروه مؤمنین پیشتاز از طریق «امر به معروف و ارزش‌ها و نهی از منکر و ناهنجاری‌ها» و با صبر جمعی، نهادهای «مالکیت مختلط»، «آزادی در چارچوب قانون اسلام»، «دولت خیرخواه»، «حذف ربا»، «زکات»، «خمس»، «وقف» و... ترتیبات نهادی جدیدی را بنیادگذاری کرد و بستر لازم برای پیشرفت عادلانه اقتصادی فراهم شد و جهان اقتصادی جدیدی اعتبار گردید.

لایه چهارم: سازوکارهای اقتصادی (سازمان‌ها، سیاست‌ها و قواعد تنظیمی): اعتبار جهان اقتصادی جدید بدون زور قانون از طریق سیاست‌ها و قواعد تنظیمی و بدون وجود بنگاه‌های خصوصی، عمومی و خیرخواه گسترش و تداوم نمی‌یابد. از این رو پیامبر اسلام ﷺ با تأسیس «بیت‌المال» سیاست‌های اقتصادی متعددی را در بخش‌های واقعی و مالی اقتصاد صدر اسلام عملیاتی کرد و با پیشرفت اقتصادی عادلانه بنگاه‌های کشاورزی، تجاری، صنعتی و خدماتی در بخش خصوصی و بنگاه‌های وقفی در بخش خیرخواه گسترش یافتند.

لایه پنجم: کنش‌های اقتصادی قاعده‌مند منبعث از لایه‌های قبلی: الگوی ایده‌آل رفتاری پیامبر اسلام ﷺ در بخش‌های اقتصادی خصوصی، عمومی و خیرخواه هنگامی که از فیلتر نهادها و سازمان‌ها و سیاست‌ها و قواعد تنظیمی می‌گذرد، کنش‌های قاعده‌مند اسلامی با سطوح گوناگون انگیزه، عقلانیت، تلاش و فعالیت ایجاد می‌شود و انواع بازارهای کالاها و خدمات، عوامل تولید، پول و سرمایه مبتنی بر اسلام در بخش خصوصی به منصفه ظهور می‌رسند. در بخش عمومی انواع کالاها و خدمات عمومی امنیت و «عدالت مثبت و منفی» با توجه به قیود بودجه عرضه و کمبودها در بازارچه خیرات توسط خیرین تا حدودی جبران می‌گردید. جذابیت و نفوذ الگوی ایده‌آل فقط در گروه مؤمنان درجه اول حداکثری بود و هرچه به درجات پایین‌تر حرکت می‌شود از شدت انگیزه، عقلانیت، تلاش و فعالیت کاسته می‌شد؛ اما آنچه از اهمیت برخوردار بود زنده‌بودن جهان اجتماعی ایجادشده و قاعده‌مند در سرتاسر شریان‌های جامعه با وجود پیامبر اسلام ﷺ و مؤمنان درجه یک بود؛ برای مثال نگاه کنید به کنش قاعده‌مند وقفی با تمامی تفاوت‌های در انگیزه‌های چهارگانه آن.^۱

۱. واقفان چهار نوع انگیزه صحیح متناسب با فقه اسلام (که کنش قاعده‌مند را نشان می‌دهد)، می‌توانند داشته باشند:

لایه ششم: نظام عرضه و تقاضا و نظام تدبیر شایسته مبتنی بر لایه‌های قبلی: در این سطح است که پدیده‌های اقتصادی به منصفه ظهور می‌رسند و روابط علت و معلولی شکل می‌گیرند. اقتصاد صدر اسلام البته دوباره باید بر اساس نظریه واقع‌گرایی نظام‌محور تحلیل گردد و طبیعی است ادبیات موجود در مورد تحلیل این اقتصاد نواقص زیادی دارد. مهم این است که پدیده‌های اقتصادی و روابط علت و معلولی در پرتو قواعد اجتماعی ساخته شده در آن عصر می‌بایست تحلیل گردد. به هر تقدیر، در آن عصر مطابق تعبیر آیت‌الله جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۷۶۹-۷۷۹) پیشرفت کوثری در مقابل پیشرفت تکاثری عصر سرمایه‌سالاری اتفاق افتاد که می‌بایست مورد توجه اندیشمندان و تحلیل‌گران قرار بگیرد.

گفتنی است که قرآن کریم (به‌مثابه منبع نقلی دین) کتاب هدایت است و آنچه مربوط به سعادت جامعه است (لایه‌های چهارگانه اول، دوم، سوم و چهارم جهان اجتماعی) را به‌طور روشنی بیان می‌کند؛ اما لایه‌های پنجم و ششم این جهان که کنش‌های قاعده‌مند و پدیده‌ها هستند از علوم اجتماعی و اقتصادی اطمینان‌بخش (به‌مثابه منبع عقلی دین) استفاده می‌شوند.

در اقتصاد متعارف: بیان شد که سنت الهی اجتماعی عام امداد و سنت الهی اجتماعی پیرو «صبر و ارتباط» در محدوده باطل نیز جریان دارد.

علم اقتصاد متعارف و نظام‌های اقتصادی غرب براساس سنن یادشده، توانست چندین قرن با حاکمیت نظری براندیشه نخبگان، در حوزه عملی ثروت‌های عظیمی را ایجاد کند. این اقتصاد از ابتدا تا انتهایش از منظر سنت‌های الهی فوق‌الذکر، شش لایه طولی برای تحلیل کردن دارد:

لایه اول: نظام اقتصادی از قبل موجود فنودالی و اشرافی.

لایه دوم: رفتار انسان اقتصادی بورژوا: دلال یا سازمان‌دهنده مبادله در قبال سود قرن یازدهم میلادی و مقاطعه‌کار تاجر قرون دوازدهم و سیزدهم با رفتار سوداگرانه‌اش بورژوا نامیده می‌شد (بشلی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۵). بورژوا تجاری برای رهایی از ستم فنودال‌ها و کشیش‌ها به قلعه‌های شهری پناه برده و با کمک مالی به اشراف شهری و پادشاهان ملوک‌الطوایفی هویت اشرافی را برای خود می‌خریدند و نظام سرمایه‌داری تجاری را با صبر خود و صبر فرد فرد امرا و پادشاهان تأسیس کردند (۱۵۰۰ - ۱۸۱۵ میلادی). در این لایه، نوع نگاه فنودالی و قرون وسطایی به دین، انسان،

۱. قرب الهی خالص و متعالی؛ ۲. محبت گرم؛ ۳. نوع دوستی و ۴. شهرت و جاه‌طلبی (انگیزه‌های دنیایی) (ر.ک: جهانیان، ۱۴۰۰، ص ۴۲۰).

جهان، ثروت، کار، خیرات و... تغییر ماهوی کرد و پس‌انداز و انباشت ثروت هنجار گردید و ارزش‌های مصرف‌گرایانه اشرافی ناهنجار شد. از این رو منطقی کردن اقتصاد در قرن هجدهم با انقلاب کشاورزی (۱۷۷۰ م) در انگلستان با سازمان‌دهی پیشه‌وران روستایی و تحقیق فنی و به‌وجود آمدن ذهن صنعتی متخصص (کارشناس فنی) آغاز شد (همان، ص ۱۲۵) و با انقلاب صنعتی اواخر این قرن، دوره نفوذ طبقه متوسط یا بورژوازی صنعتی و عصر سرمایه‌داری صنعتی و لیبرال (۱۸۱۵-۱۹۱۴) شروع شد.

لایه سوم: ترتیبات نهادی اقتصاد، صبر و پیگیری بورژوازی تجاری برای خصوصی کردن مالکیت از طریق دولت مداخله‌گر مرکانتالیست آغاز عصر طلایی حقوق مالکیت خصوصی را در اواسط قرن هفدهم به ارمغان آورد. در نتیجه انباشت ثروت و پس‌اندازهای این طبقه افزایش یافت، مالکیت‌های بزرگ بر ابزار تولید ایجاد شد و می‌بایست نهاد آزادی سرمایه در ابعاد گوناگونش تثبیت شود. از این رو نیاز به دولت لیبرال در قرن نوزدهم احساس شد و عدم مداخله دولت تجویز گردید (آربلاستر، ۱۳۶۷، ص ۲۶۳). سکولاریسم، ناسیونالیسم و برابری حقوقی، تولید مبتنی بر علم را که جوهر توسعه اقتصادی غرب بود بسترسازی کرد. امنیت اقتصادی بورژوازی صنعتی از طریق ارتش‌های ملی و تشکیلات حکومتی گسترده بوروکراتیک تأمین شد و آموزش و پرورش و رسانه‌های همگانی در خدمت عقلانیت ابزاری و ذهنیت «هزینه-فایده» بورژوازی قرار گرفت.

لایه چهارم: سازوکارهای اقتصادی (سازمان‌ها، سیاست‌ها و قواعد تنظیمی): دولت لیبرال تشکیل شد، بانک‌ها و سازمان بورس به حمایت از شرکت‌های بزرگ سهامی برای افزایش تولید و سود اقدام کردند و هنگامی که تقاضای داخلی کفاف تأمین سود را نمی‌داد به استعمار پرداختند و «غربی‌سازی جهان» یا «پروژه جهانی‌سازی» برای فروش کالاها و خدمات بورژوا پدیدار شد.

لایه پنجم: کنش‌های اقتصادی قاعده‌مند منبث از لایه‌های قبلی: الگوی ایده‌آل رفتاری بورژوا در قالب «انسان اقتصادی» با دو ویژگی «سودطلبی» و «عقلانیت ابزاری» (هادوی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۲۷)، در تمامی ارکان نظام اقتصادی سرمایه‌داری صنعتی به مثابه یک قاعده به منصفه ظهور رسید و علم اقتصاد متعارف بر اساس کنش قاعده‌مند انسان اقتصادی توسط پدر این علم، یعنی، آدام اسمیت به دنیا معرفی شد. تبلیغ «چرا شما سرمایه‌دار نشوید؟» روح واحدی را در تمامی نظام‌های سرمایه‌سالارانه القاء می‌کند و با وجود اینکه فیلترهای گوناگون دینی، قومی، طبقاتی، اخلاقی و... این روح واحد را تعدیل می‌کند؛ اما با وجود حقوق مسلط فردگرایانه و تبلیغ «حاکمیت قانون

آزادی‌های اقتصادی» کنش اقتصادی قاعده‌مند فوق‌الذکر در تمامی ابعاد زندگی غربی حاکم است، به‌نحوی که حتی ازدواج، خیرات و بسیاری از مسائل غیرمادی را هم تحلیل اقتصادی صرف (یا محاسبه اقتصادی) می‌کنند.

لایه ششم: نظام عرضه و تقاضا و نظام تدبیر شایسته مبتنی بر لایه‌های قبلی: در این سطح است که پدیده‌های اقتصادی به منصفه ظهور می‌رسند و روابط علت و معلولی شکل می‌گیرند، اگر اقتصاد کشورها به سطحی از نظم‌پذیری و ثبات رسیده باشد که بتوان با فرض ثبات جهان اعتباری از پیش‌ساخته‌شده ناشی از نهادها و سازوکارها این روابط را با کمترین تورش و انحراف در سطح آزمایشگاهی مشاهده، تحلیل و پیش‌بینی کرد.

تا اینجا تبیین گردید که بر اساس سنت عام و فراگیر «امداد» پیشرفت اقتصادی در جوامع سکولار هم شکل گرفته؛ اما تکاثری است. این در حالی است که پیشرفت در اقتصاد جامعه صدر اسلام کوثری می‌باشد.

به تعبیر دیگر، با توجه به امداد خداوند متعال به «تلاش‌گران» عرصه‌های دنیوی و اخروی، سنت «امداد عام»، سنت پیشرفت بشر در مقابل تنبلی و عقب‌ماندگی است. در واقع جوامع بشری به سه دسته تقسیم می‌شوند. ۱- جوامع تنبل و گذشته‌نگر با ایده‌آل‌های تکراری و ملالت‌بار (صدر، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰)؛ ۲- جوامع پیشرفته باطل‌مدار با ایده‌آل محدود (همان، ص ۱۷۱)؛ ۳- جوامع پیشرفته حق‌مدار با ایده‌آل مقدس و برتر (همان، ص ۲۰۰).

اگر بخواهیم با اصطلاح امروز جهان در حال چندقطبی شدن، سنت‌های الهی اجتماعی را در ارتباط با جوامع سه‌گانه فوق‌الذکر جلو ببریم، می‌توان گفت دو نوع توسعه و پیشرفت وجود دارد: ۱- توسعه کوثری مربوط به جوامع حق‌مدار؛ ۲- توسعه تکاثری مربوط به جوامع باطل‌مدار. جوامعی که از پیشرفت کوثری برخوردارند، مطابق با دو اراده تکوینی و تشریحی خداوند متعال هستند؛ اما جوامعی که از پیشرفت تکاثری برخوردارند، فقط در چارچوب تأییدات اراده تکوینی قرار دارند.

عمده تفاوت این دو نوع پیشرفت از منظر سنت‌های الهی اجتماعی آن است که جوامع حق‌مدار از سنت‌های اختصاصی برکت، خلف و نصر «امداد خاص» برخوردارند^۱ که به پیشرفت کوثری منتهی شده و پایداری این جوامع را به معنویت و عالم غیب گره می‌زند و موجب می‌شود تا پیشرفت همه‌جانبه که پایداری واقعی است تحقق پذیرد؛ اما جوامع غیرحق‌مدار به دلیل اجرای سنن احباط،

۱. توضیح این سنت‌ها در قسمت‌های بعدی خواهد آمد.

تدمیر و استیصال از پیشرفت تکاثری برخوردارند. پیشرفت تکاثری و توسعه پایدار مصطلح هرچند مطابق با سنت الهی امداد از مانایی نسبی برخوردار است، ولی از طریق پیروی از سنت‌های احباط، تدمیر و استیصال، موجب ناپایداری جهانی در آرمان‌های ثابت بشری در زمینه عدالت، امنیت، معنویت و محیط‌زیست شده و می‌شود.

بر اساس «سنت صبر و ارتباط»، لایه‌ها و سطوح چهارگانه‌ای از مراحل پیشرفت جوامع، قابل کشف است. در واقع این آیه چهار مرحله از فرایند جامعه‌سازی را به ترتیب ذیل از مؤمنین درخواست می‌کند: ۱. در هر جا و هر مرحله‌ای که هستید جهان اجتماعی مؤمنانه را پیشرفت دهید (تغییر یا اصلاح نظام از قبل موجود)؛ ۲. با صبر فردی انسان نمونه بسازید (هنجارسازی)؛ ۳. با صبر جمعی نهادهای نمونه بسازید (نهادسازی و الگوهای ویژه تثبیت‌شده رفتاری)؛ ۴. با ارتباطات اجتماعی سازمان‌های نمونه بسازید (سازمان‌سازی)؛ اما قرآن چون کتاب هدایت و راهنمای بشر به سوی سعادت دنیا و آخرت است، تفاوت پیشرفت کوثری را با پیشرفت تکاثری در تقوا می‌داند و پس از سه امر «اصبروا و صابروا و رابطوا» امر چهارم «واتقوا الله» است. صاحب قاموس قرآن در این باره می‌نویسد: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ یعنی باید تقوی و توحید مانند روح و خون در همه آن سه امر جریان داشته باشد و زیربنای همه آنها تقوی و (الله) باشد، در احزاب فرعون‌ها و طاغوت‌ها سه اصل (اصبروا و صابروا و رابطوا) پیدا می‌شود ولی (وَ اتَّقُوا اللَّهَ) نیست لذا نتیجه بالعکس است، نتیجه به کار بستن این اصول، رستگاری هر دو جهان است آری: لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ. این آیه در زمان رسول خدا ﷺ مدتی پیاده شد و چنان نتایج به بار آورد که اکنون نیز از آن بهره‌مندیم» (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۶۸).

سنت‌های اختصاصی جوامع حق‌مدار

جوامع با پیشرفت کوثری (حق‌مدار) از سنت‌های اختصاصی‌ای برخوردارند که موجب جوشش برکت، خیرات و نصرت الهی شده و پایداری این جوامع را به معنویت و عالم غیب گره می‌زند و موجب می‌شود تا پیشرفت همه‌جانبه که پایداری واقعی است تحقق پذیرد. در زیر به برخی از این سنت‌های اختصاصی اشاره می‌شود:

یک. قرآن و سنت برکت، خلف و نصر

الف) «سنت برکت»: این سنت، مرتبه‌ای از سنت رزق است که با افزایش نعمات مادی و معنوی سازگار است؛ زیرا سنت رزق الهی دارای مراتب (برای آگاهی بیشتر، رک: کاشانی و

نظرپور، ۱۳۹۷، ص ۷۶-۷۸) و مشکک است. پایین‌ترین مرتبه آن، عام است که شامل کفار هم می‌شود (هود: ۶. عنکبوت: ۶۰)؛ اما مراتب خاص آن که پایدار است به مؤمنان اختصاص دارد و این نشان می‌دهد که ایمان و کفر در پیشرفت اقتصادی تأثیر به‌سزایی دارند.

برکت، فزونی نعمت است که از پایداری و ثبات برخوردار است (طریحی؛ ۱۳۷۵؛ ج ۵، ص ۲۵۸. مصطفوی؛ ۱۳۷۱؛ ج ۱، ص ۲۵۷. طباطبایی؛ ۱۳۹۰؛ ج ۱، ص ۲۵۷ و ج ۷، ص ۲۸۹ و ج ۱۸، ص ۳۴۱ و ج ۱۵، ص ۳۰. مکارم شیرازی؛ ۱۳۷۴؛ ج ۶، ص ۲۶۶). این زیاده می‌تواند مادی و معنوی باشد و شامل نعماتی مانند امنیت، انسجام، آرامش، سلامتی، مال و اولاد (طباطبایی؛ ۱۳۹۰؛ ج ۸، ص ۲۵۴) و نزول باران و رویدن گیاهان (مکارم شیرازی؛ ۱۳۷۴؛ ج ۶، ص ۲۶۶) و... شود.

قرآن به این سنت در آیه ۹۶ سوره اعراف پرداخته است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». در این آیه اولاً، استعمال فعل مضارع، مثبت سنت بودن است.

ثانیاً، عامل اجرای سنت، ایمان و تقوا معرفی شده است.

ثالثاً، آثار ناظر به برخی از ابعاد پیشرفت اجتماعی بر ایمان و تقوای نوع انسانی و اهل قریه‌ها جمعاً بار شده است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها (طباطبایی؛ ۱۳۹۰؛ ج ۸، ص ۱۹۵-۲۰۲). رابعاً، مطلوبیت فزاینده‌گی و پایداری نعمت‌ها به‌عنوان یک پیش‌فرض مطرح شده است و آیه در قالب سنت فقط به دنبال تبیین عوامل دسترسی به این هدف و مطلوب است. این عوامل همان معنویت یک قوم است که قرآن اصرار عجیبی دارد تا بیان کند در سرنوشت اقوام تأثیر فراوان دارد (مطهری؛ ۱۳۹۴؛ ج ۲۹، ص ۵۴۳) همین معنا در آیه‌ای دیگر نیز این‌گونه بیان شده است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ» (مانده: ۶۶. ر.ک: طباطبایی؛ ۱۳۹۰؛ ج ۶، ص ۳۸ و ج ۸، ص ۲۴۷-۲۴۸).

در سوره جن آیه ۱۶: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا»؛ نیز رابطه استقامت بر راه حق و دستیابی به آب گوارای فراوان (نعمت‌ها) بیان شده است.

استعمال فعل مضارع در این آیه نیز گویای سنت بودن است، منتها عامل اجرای سنت، «استقامت بر طریق مستقیم» معرفی شده است.

قرآن کریم جامعه اسلامی را به صبر و استقامت دعوت می‌کند یا استقامت‌کنندگان را تمجید و تحسین کرده و به پاداش‌هایی نوید می‌دهد؛ نظیر آیه شریفه: «فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ» (هود: ۱۱۲)؛ پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای استقامت کن و هم چنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند باید استقامت کنند. این مسئله در آیات متعدد دیگری (مانند: فصلت: ۶ و ۳۰. روم: ۳۰. شوری: ۱۵) نیز مطرح شده است.

کلمه استقامت در خصوص طریقی به‌کار می‌رفته که به خط مستقیم کشیده شده باشد. استقامت انسان به این معناست که همواره ملازم طریقه مستقیم باشد (طباطبایی؛ ۱۳۹۰؛ ج ۱۷، ص ۵۹۰-۵۹۱) و در عقاید، اخلاق و اعمالشان به چیزی جز آن چه موافق توحید و سازگاری با آن است رکون نکنند (همان، ج ۱۱، ص ۶۲-۶۳).

در هر حال خداوند سبحان در سوره جن آیه ۱۶ به مؤمنانی که استقامت در مسیر حق کنند، برخی از منافع دنیوی آن را بشارت داده است. بعید نیست از سیاق، استفاده شود که جمله، «لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا» مثلی باشد که بخواهد توسعه در رزق را برساند (همان، ج ۲۰، ص ۷۱) و به تعبیر برخی مفسران، به سال‌هایی پرباران و پربرکت اشاره داشته باشد (مکارم شیرازی؛ ۱۳۷۴؛ ج ۲۰، ص ۲۷۶).

ب) سنت خلف: خَلْفَ به معنای فرزند، نسل و تبار، آن چیزی که جای چیزی قرار دهند، عوض و بدل است (زبیدی؛ ۱۴۱۴؛ ج ۱۲، ص ۱۸۶). از قوانین خدا آن است که اگر انسان چیزی را در راه خدا بدهد، خداوند آن را جایگزین می‌کند (سبأ: ۳۹)، البته این جایگزینی در ارزش همسان آن چیزی نیست که انفاق‌کننده داده است (طلاق: ۷). بنابراین، اگرچه در ظاهر با دادن قرض، صدقه، خمس، زکات و انفاق کردن نقصانی در «مال» پدید می‌آید؛ اما بر اساس قانون خلف، این نقصان با جایگزینی افزایشی جبران می‌شود (بقره: ۲۴۵). قرآن جایگزینی انفاق مالی را محدود به افزایش اموال نکرده است و می‌فرماید این انفاق به افزایش «جان» و سعه وجودی انسان نیز می‌انجامد: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳). تزکیه هرس کردن جان است همان‌گونه که زکات هرس کردن مال است (فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۳۹۴). با هرس نه تنها از درخت کم نمی‌شود، بلکه به آن شاخ و برگ دیگر افزوده و باعث رشد و ثمردهی آن می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۳۷۷ و ج ۱۵، ص ۹). به جهت همین نکات، قرآن نفع دنیوی انفاق را برای انفاق‌کننده بیش از انفاق‌شونده می‌داند (بقره: ۲۷۲).

اما گاهی انفاق در حوزه امور مالی نیست و به ساحت جان مربوط می‌شود، پرسش آن است که آیا این قانون در انفاق جان هم جریان دارد؟ پاسخ آن است که بخشیدن جان کمتر از بخشیدن مال نیست و اگر در انفاق مال سنت خلف جریان می‌یابد در انفاق جان به طریق اولی باید جریان یابد؛ لذا می‌توان زنده بودن شهدا را یکی از مصادیق سنت خلف دانست به این معنا که اگر کسی جاننش را تقدیم خداوند کند خداوند بر اساس همین سنت خلف یک حیات برتری را به وی عنایت می‌کند (آل عمران: ۱۶۹). این آیه علاوه بر اثبات حیات برزخی برای شهدا می‌تواند، گویای حیات اجتماعی شهدا باشد. آنان همواره حضور دارند و می‌توانند چراغ راهی برای هدایت بشر در ظلمات و تاریکی‌های جهالت باشند.

باورمندی به این قانون الهی موجب می‌شود تا انسان صفت سخاوت را در خود شکوفا کند (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۹۴). از این جهت، ترویج انفاق در راه خدا - اعم از انفاق جانی و انفاق مالی - می‌تواند تأثیر چشم‌گیری در رشد امور مادی و معنوی داشته باشد. این آثار غیر آثاری مانند کاهش فاصله طبقاتی و ریشه‌کنی فقر است که نصیب انفاق شونده می‌شود. به عبارت دیگر؛ به رشد بعد انسان^۱ منتج می‌شود و از سویی دیگر به رشد بعد رابطه انسان با انسان و با رابطه انسان با طبیعت می‌انجامد و فراوانی امکانات مادی در سویه انفاق‌کننده و سویه انفاق‌شونده را به دنبال دارد.

ج) سنت نصر: «سنت نصر و پیروزی بر دشمنان» از جمله سنت‌های فرعی است که می‌تواند ناظر به پیشرفت معنوی، یا پیشرفت مادی، یا هر دو باشد.

«نصر»، در لغت، به معنی یاری مظلوم است (فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۰۸). متون دینی هم به افرادی که این حمایت شامل حالشان می‌شود اعم از پیامبران و پیروان آنها و هم به عرصه‌ها و زمینه‌های مختلفی که این حمایت جریان دارد و نیز به انحاء مختلف آن اشاره کرده است.

براساس این سنت، مؤمنان با شروطی مانند یاری خدا (حج: ۴۰، محمد: ۷، حشر: ۸)، ایمان واقعی و حرکت در مسیر توحید و بندگی و استقامت ورزیدن در این راه (آل عمران: ۱۳۹؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۷۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۰۸)، اوج گرفتن سختی‌ها و بلاها (یوسف: ۱۱۰؛ بقره: ۲۱۴)، در قالب فرستادن ملائکه (آل عمران: ۱۲۳ و ۱۲۴؛ توبه: ۲۵ و ۲۶؛ احزاب: ۹ و ۱۰)، ایجاد ترس در دل مخالفان (حشر: ۴)، نزول سکینه و آرامش، نزول باران

۱. بی‌گمان رشد اجتماعی در پرتو رشد ابعاد سه‌گانه انسان، طبیعت و رابطه (رابطه انسان با انسان و انسان با طبیعت) محقق می‌شود.

(انفال: ۱۱) و بادهای سهمگین (احزاب: ۹) و چند برابر دیدن لشکر حق توسط دشمن (آل عمران: ۱۳) و... یاری خواهند شد.

دو. تحلیل سنت‌های اختصاصی در اقتصاد جوامع اسلامی

الف. بر اساس سنت برکت، اگر از افراد هر جامعه‌ای آن قدر ایمان آورده و تقوا پیشه کنند که جمله «اهل این جامعه، ایمان و تقوا دارند» آیه ۹۶ سوره اعراف در مورد آنان صادق باشد، خداوند نعمت‌های مادی و معنوی را شامل حال همه ایشان، حتی افراد کافر و بی‌تقوا می‌نماید و همه از رفاه مادی، آرامش، امنیت و... برخوردار می‌شوند. در این آیه، هم در جهت زمینه‌سازی جریان سنت و هم در بُعد پیامدهای آن، زندگی اجتماعی و رفتار گروهی به‌عنوان دو محور اصلی سنت‌های اجتماعی خداوند در نظر گرفته شده است (رجبی؛ ۱۳۸۳، ص ۳۸-۳۹).

در آیات گفته‌شده، سخن از رابطه خاصی بین استقامت در تطبیق احکام خدا و به‌کار بستن آن از یک طرف و بین فراوانی معیشت و کثرت تولید از طرف دیگر؛ و به زبان امروز بین عدالت در توزیع و فراوانی در تولید، رابطه برقرار شده است. قرآن تأکید می‌کند که هر جامعه‌ای در توزیع اش به عدالت حکومت کند، در تنگنای کمبود تولید قرار نمی‌گیرد، دچار فقر نمی‌شود، ثروتش افزوده شده و خیرات و برکات فراوانی نصیبش می‌گردد. به بیان دیگر، قانون و سنت تاریخ آن است که هرگاه احکام دستورات آسمانی در روابط توزیع رعایت شود این امر باعث تولید بیشتر و ثروت ملی زیادتر می‌شود و سرانجام برکات آسمان و زمین روی این مردم گشوده می‌شود (صدر، ۱۳۹۸، ص ۶۵-۶۶). در هر حال نهادینه شدن عنصر تقوا با صبر و استقامت در جامعه به‌عنوان عامل معرفی شده است. یقیناً در تقوای اجتماعی آن عناصری که در اقتصاد متعارف مطرح می‌شود مانند عدالت، فقرستیزی، حفظ محیط زیست و... مطرح خواهد شد. این مسیر تقوا همان مسیر هماهنگی با نظام خلقت است و در نتیجه این حرکت یک نوع آشتی میان انسان و طبیعت برقرار می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۴۲)، حتی اگر انسان این مسیر را در ابتدا نپیماید، ولی پس از توجه، استغفار کرده و در صدد تحقق مقدمات لازم برای تقوای اجتماعی برآید، این رابطه اجرا خواهد شد (هود: ۳۵؛ نوح: ۱۰-۱۲).

پس سنت برکت از وجود یک رابطه علی و معلولی بین عدالت اجتماعی - اقتصادی و پایداری و ثبات اجتماعی - اقتصادی حکایت می‌کند. بر اساس این تقریر، سنت برکات از گروه سنن مشروط است و به اهل حق اختصاص دارد.

ب. بر اساس سنت خلف، جامعه کوثری اولاً برای «عیال خداوند»، یعنی: فقرا از مصرف خود می‌کاهد تا پس‌انداز بیشتری برای سرمایه‌گذاری (جهت افزایش رشد اقتصادی) و خیرات (جهت افزایش مصرف فقرا) داشته باشد؛ ثانیاً چون اکثریت جامع به «سنت خلف» اعتقاد دارند مشارکت اجتماعی در خیرات فوق‌العاده است و حتی کسانی که پس‌اندازی هم ندارند قرض می‌کنند تا در امر خیر شرکت کرده تا خداوند ده‌برابر به آنها پاداش دهد. ضمن اینکه همبستگی اجتماعی در این جامعه به مثابه «بنیان مرصوص» خواهد بود.

ب. بر اساس سنت نصر، جامعه کوثری با امدادهای غیبی در صحنه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی مسیر پیشرفت کوثری را با سرعت فزاینده طی کرده و دنیای تک‌قطبی سرمایه‌سالارانه کنونی را ابتدا به دنیای چندقطبی و سپس به دنیای تک‌قطبی امام‌زمانی تبدیل خواهد کرد؛ انشاءالله.^۱

سنت‌های اختصاصی جوامع غیر حق‌مدار

سنت عام و فراگیر «امداد» همان‌طور که موجب پیشرفت جوامع حق‌مدار می‌شود، پیشرفت تکاثری را می‌تواند برای جوامع غیر حق‌مدار هم موجب گردد؛ اما اگر فرد یا جامعه‌ای قدردان نعمت‌های مادی هم نباشد و غرور و سرمستی کرده و به فرد یا جامعه خود یا جامعه دیگر ظلم و ستم کند، خداوند پاسخ مناسب و مقتضی خواهد داد و این پیشرفت تداوم نخواهد داشت؛ برای مثال؛ قرآن به ظلم و ستم اجتماعی و ناپایداری اقتصادی در آیه‌های ۱۸ و ۱۹ سوره سبأ اشاره کرده است: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَأْتِيُوا يَوْمًا آمِنِينَ* فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَرَّقْنَاهُمْ كُلَّ مَرْقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ»؛ «و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آنها را به‌طور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم:) شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید! پس [این مغرورشدگان به رفاه و خوشی و ناسپاسان در برابر نعمت] گفتند: پروردگارا! میان سفرهای ما، دوری و فاصله‌انداز. [این را درخواست کردند تا تهیدستان و پاره‌ننگان نتوانند در کنار آنان سفر کنند] و [این‌گونه آنان] بر خودشان ستم کردند، پس ما آنان را داستان‌هایی [برای عبرت آیندگان] قرار دادیم و جمعشان را به شدت متلاشی و

۱. بر اساس سنت جانشینی صالحان و سنت وراثت زمین.

تار و مار کردیم، همانا در این [سرگذشت‌ها] برای هر صبرکننده سپاس‌گزاری عبرت‌هاست».

آیه اول طلوع و غروب قوم سبأ را بیان کرده است، البته در اینجا فرآیند سنت برکات را به ایجاد تسهیلات لازم برای برقراری ارتباطات گسترده و سالم نسبت داده است. گستردگی و عمومیت ارتباطات و پرهیز از پیدایش انحصار توسط ثروتمندان و قدرتمندان جامعه، زمینه لازم برای برقرار عدالت اجتماعی و امکان استفاده فقرا از ارتباطات پیش‌گفته را فراهم آورده و آنان را از سهم‌بری فرآورده‌های جامعه محروم نمی‌کند؛ اما آیه دوم به این نکته می‌پردازد که آنان ناسپاسی کردند. ارتباطات گسترده و بسیار آسان سبب گردید که ثروتمندان و اغنیا بر فقرا حسد ببرند؛ زیرا بین آنان و فقرا فرقی وجود نداشت (امین، ۱۳۶۱، ج ۱۰، ص ۲۸۶). لذا از خدا خواستند که مسافرت کردن در اطراف با مشکلاتی مواجه شود؛ یعنی در میان این قریه‌های آباد فاصله‌ای بیافتد و بیابان‌های خشکی پیدا شود، از آن جهت که اغنیا مایل نبودند افراد کم درآمد همانند آنان سفر کرده و کسب درآمد کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۶۴) بدیهی است که این دعا تنها در اذهان آنها محبوس نشد و با توجه به جایگاه اجتماعی آنان در سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه به راهبردهایی تمایل یافتند که در آن نه تنها از فقرستیزی اثری مشاهده نمی‌شود، بلکه اعمال این سیاست‌ها هر لحظه بر تشدید فاصله طبقاتی و ظلم اجتماعی افزود و سرانجام چنین فرایندی جز بحران‌های اجتماعی و نابودی تمدن پیش‌گفته «وَمَرَّقْنَاَهُمْ كُلَّ مَمَرٍّ» نیست (هادوی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۲۰۶-۲۱۲).

بر اساس آیات قرآن برخی از سنن الهی در ناپایداری دخیل هستند. در زیر به برخی اشاره می‌شود:

یک. قرآن و سنت احباط و استیصال

الف) سنت احباط: حبط به معنای فساد و هدررفتن چیزی است و حبط عمل، بطلان و بی‌اثر شدن آن است؛ به گونه‌ای که هیچ اثر و پاداش و نتیجه معنوی که موجبات خیر، برکت و توفیق را فراهم نماید، در دنیا و آخرت به دنبال نخواهد داشت (مصطفوی؛ ۱۳۷۱؛ ج ۲، ص ۱۵۷). آیاتی از قرآن عواملی چند مانند کفر (محمد: ۸-۹)، شرک (رعد: ۱۴)، ارتداد (بقره: ۲۱۷)، نفاق (توبه: ۶۹) و کشتن انبیا و آنانی که به عدالت امر می‌کنند (آل عمران: ۲۱-۲۲) را در حبط آثار دنیوی و اخروی اعمال دخیل می‌داند.

بیان شد که کافران در کارهای عادی بر اساس سنت امداد (اسراء: ۱۸-۲۰؛ نجم: ۳۹. هود: ۱۵؛ شوری: ۲۰) نتیجه تلاش خود را در دنیا می‌بینند؛ از این رو، حبط کارهای عادی و دنیایی آنان

به معنای بی‌ثمری تلاش عالمانه آنان در برخورداری از زندگی مرفه و امکانات مادی نیست. کافران اگر به سبب کفر از نعمت‌های مادی و امکانات طبیعی محروم باشند، به ناچار دست از کفر بر می‌دارند و اسلام می‌آورند و روشن است که چنین اسلامی نمی‌تواند سودمند باشد، بلکه به این معناست که کارهای آنان موجبات سعادت آنان را فراهم نمی‌کند و از این جهت، بی‌ثمر است.

قرآن از حیطه نیرنگ‌های سیاسی یا توطئه‌ها و خیانت‌های نظامی و اقتصادی آنان خبر می‌دهد (فاطر: ۴۳؛ یوسف: ۵۲؛ غافر: ۳۷؛ غافر: ۲۵؛ فیل: ۲). آنان گویا در تاریکی نقشه می‌کشند یا تیر به تاریکی می‌افکنند. برای رسیدن به هدف، به راهنما نیاز است، نه خداوند نیرنگ خائنان را رهبری می‌کند و نه ممکن است چیزی در ذات یا شأنی از شؤون ذات به خداوند ارتباط نداشته باشد.

قرآن درباره توطئه‌های اقتصادی کافران می‌فرماید: آنان اموالشان را هزینه می‌کنند تا راه خدا را بسته و مانع پیشرفت دین و مسلمانان شوند و چون این مال را در راه باطل صرف می‌کنند، هم مایه حسرت و اندوه آنان خواهد شد و هم در توطئه‌ها شکست می‌خورند (انفال: ۳۶).

از آنچه گفته شد، روشن گردید که تمام اعمال کافران به موجب آیاتی (بقره: ۲۱۷) دچار حیطه می‌شوند. بطلان اثر دنیایی این اعمال بدان سبب است که عالم بر اساس حق اداره می‌شود و اعمال آنان با حق هیچ ارتباطی ندارد و از این جهت، خواسته‌های مغایر با اراده الهی به نتیجه نمی‌رسد.

ایمان مایه خوشی و خوشبختی است، چه در این جهان و چه در جهان دیگر (نحل: ۹۷)؛ اما کسی که کفر ورزید، به‌خصوص اگر قبلاً از نعمت ایمان برخوردار بوده، زندگی‌اش سخت نکبت‌بار و ملال‌آور خواهد شد و از سعی و کوشش خویش نتیجه‌ای برای سعادتش نخواهد گرفت (طه: ۱۲۴)؛ زیرا دلش به موجود ثابت و پایداری بستگی ندارد تا هنگام نعمت به واسطه او خوش باشد و گاه بلا و نعمت، دلش به او تسلی یابد و موقع حاجت و نیاز با او راز گوید و به او متوجه شود (محمد: ۱۱). آمار بالایی خودکشی در برخی کشورهای به‌ظاهر پیشرفته شاهد این مطلب است.^۱

خلاصه اینکه کفار به واسطه تلاش و کوششی که انجام می‌دهند، نتیجه تلاش خود را می‌بینند و به توسعه موردنظر دست پیدا می‌کنند؛ لکن طبق سنت احباط؛ اولاً، اثر اعمالشان که عبارت است از تأمین آرامش و سعادت دنیوی تحقق پیدا نخواهد کرد؛ ثانیاً، این توسعه پایدار نخواهد بود.

۱. برای آگاهی از آمار خودکشی در کشورهای پیشرفته، به گزارش مرکز اطلاعاتی «World Population Review» در اول سال ۲۰۲۰ مراجعه شود:

<https://worldpopulationreview.com/country-rankings/suicide-rate-by-country#dataTable>

ب) سنت تدمیر و استیصال: «استیصال» در لغت، مصدر از ریشه «اصل» و به معنای برکندن از اصل و ریشه است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۲۰) و عذاب استیصال به عذاب‌هایی گفته می‌شود که نسل قوم ستمکار را از ریشه برکنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۵۹). این واژه در قرآن به کار نرفته است؛ اما واژه‌های دیگری مانند «هلاک»، «اخذ»، «تدمیر»، «رجز» و «قسم» که به معنای هلاکت‌اند، بر آن دلالت دارند؛ لذا می‌توان آن را «سنت تدمیر» نیز نامید که نه تنها به هلاکت و نابودی افراد می‌انجامد (نمل: ۵۱)؛ بلکه مظاهر تمدنی را هم در بر می‌گیرد (اعراف: ۱۳۷).

تسلط مجرمان و مترفان (خوش‌گذرانان) بر امور جامعه، به رواج کامل فسق و فجور در جامعه می‌انجامد و این یکی از سنت‌های الهی است که بر جوامع گناهکار و در مسیر باطل جریان می‌یابد (انعام: ۱۲۳) و زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا سنت دیگری جریان یابد که هلاکت کلی و ریشه‌کن شدن اهل باطل و قریه آنها را در پی دارد (اسراء: ۱۶).

با این توضیح که وقتی اهل باطل کاملاً در باطل و گمراهی خود غرق شده و بر آن اصرار ورزیدند و حکمت بالغه الهی بیش از این مقتضی امهال آنان و تأخیر عقوبت و عذابشان نباشد، سنت استیصال گریبان آنان را خواهد گرفت و نابودشان می‌کند.

آیاتی در قرآن (انعام: ۶؛ یونس: ۷۳) نمایانگر این سنت الهی است. در این آیات اشاره شده که در اثر اصرار بر گناه، هلاکت و نابودی شامل گروه و جوامعی شده است.

به نظر می‌رسد که بر اساس آیات قرآن پیش از جریان سنت عذاب استیصال، باید مراحل دیگری اتفاق بیافتد: مرحله نخست: سنت ارسال رسولان (اسراء: ۱۵)، مرحله دوم: سنت باساء و ضراء، مرحله سوم: سنت استدراج، مرحله چهارم: سنت عذاب استیصال (انعام: ۴۲ - ۴۵).

از طرف دیگر می‌بینیم که سنت عذاب استیصال، سنت جانشینی صالحان (فصلت: ۱۷ - ۱۸؛ یونس: ۷۳) و سنت وراثت زمین (ابراهیم: ۹ - ۱۴) را در پی دارد. بر اساس سنت اخیر، بندگان مؤمن و صالح خداوند که جز در مقاطع محدودی از تاریخ کره خاک، همواره به استضعاف کشانده شده و خوار شمرده می‌شدند، در نهایت زمین را به ارث می‌برند.

پس از ارسال رسول، در یک امت و ایجاد تفرقه و اختلاف در آن امت، لازم است میان امت، قضاوت دنیوی، صورت بگیرد، ولی از آنجاکه خداوند، سنت دیگری وضع کرده و آن سنت، مقدم و حاکم بر سنت قضاوت است؛ لذا اجرای سنت قضاوت، به طور موقت، به تأخیر می‌افتد و آن سنت

عبارت است از: سنت أجل مسمی؛ یعنی هر اتمتی، اجل محتومی دارد، تا اجلس فرانرسد، قضاوت دنیوی اجراء نمی‌شود (شوری: ۴۲).

لذا مخالفین قرآن، شبهه‌ای داشتند که اگر میان اختلاف و قضاوت الهی و همچنین ظلم و گناه با عذاب دنیوی، ملازمه است، پس چرا در صورت وجود مقتضی آن، این قضاوت و عذاب، اجراء نمی‌شود. پاسخ خداوند این است که درست است، مقتضی قضاوت و عذاب، موجود است، ولی مانع، مفقود نیست و مانع، همانا أجل داشتن اتمت‌ها است (طه: ۱۲۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰؛ ج ۱۴، ص ۲۳۳). در آیات دیگر، این چنین آمده که علت تأخیر سنت عذاب استیصال ظالمان، سنت أجل مسمی است (نحل: ۶۱).

نکته حائز اهمیت آن است که اولاً، این سنت در امت‌های پیشین رخ داده است (فرقان: ۳۷ - ۳۹) و در امت خاتم نیز رخ خواهد داد (سباء: ۵۱ - ۵۴؛ مرسلات: ۱۶ - ۱۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۵۲ و ج ۷، ص ۱۵۲). مراد از امت خاتم همه ساکنین کره زمین و همه مخاطبان دعوت رسول خاتم است، نه فقط مسلمانان (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۸۳). پس کفار این امت نیز، انواع عذاب‌ها و عقوبت‌های کفار امم پیشین را مشاهده خواهند کرد (ابراهیم: ۴۴ - ۴۵؛ ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۷۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۸۲-۸۳). در قرآن تصریح شده که مخالفان و معاندان، ایمان نمی‌آورند، گویا منتظرند تا مانند ایام و روزگار هلاکت گذشتگان را مشاهده کنند، تا ایمان بیاورند، پس منتظر رؤیت چنین روزی باشند (یونس: ۱۰۲ - ۱۰۳). قرآن این عذاب را حتمی می‌داند (یونس: ۵۰ - ۵۳؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۷۳-۷۶).

ثانیاً، این سنت‌ها نظام‌مندند و همچنین برخی بر برخی دیگر حکومت دارند.

ثالثاً، عامل جریان این سنت عبارت‌اند از:

- عدم ایمان اکثریت مردم به رسول خاتم (شعراء: ۸، ۶۷، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۷۴، ۱۹۰ و ۲۰۱-۲۰۸. ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۵۲-۳۵۳).
- تکذیب آیات الهی (یونس: ۷۳).
- گناهان رفتاری مانند آنچه در قوم لوط (شعراء: ۱۶۹ - ۱۷۴؛ عنکبوت: ۳۰ - ۳۱) و شعیب (شعراء: ۱۷۷ - ۱۸۹) اتفاق افتاد و رواج کامل فسق و فجور (انعام: ۱۲۳؛ اسراء: ۱۶).

دو. تحلیل سنت‌های اختصاصی در اقتصاد جوامع سکولار

الف) علی‌رغم تلاش جوامع غیر حق‌مدار برای دستیابی به توسعه‌ای پایدار و مستند به سنت امداد؛ اما از آنجا که عالم بر اساس حق اداره می‌شود و این پیشرفت‌ها تناسب لازم را با نظام احسن تکوینی و تشریحی ندارد و با دو اراده تکوینی و تشریحی خداوند متعال، یعنی مشیت جزم و عزم تطابق لازم ندارد، از این رو اعمال این جوامع دچار فساد، هدرروی، بطلان و بی‌اثری شده و سنت احباط و ایجاد هزینه برای بشریت جریان پیدا می‌کند (بقره: ۲۱۷). این جوامع می‌خواهند سعادت دنیوی پیدا کنند؛ اما فراوانی کالاهای از یک‌سو همراه شد با انواع ناآرامی‌های روحی و روانی، تضادهای طبقاتی، فروپاشی خانواده‌ها، بغض ملت‌های ضعیف نسبت به دولت‌های سلطه‌گر؛ از سوی دیگر این نعمت‌های مادی همراه شد با تخریب محیط زیست کل جهان؛ به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای که امکان بازسازی هزینه‌مند این محیط را ندارند و کشورهای مسئول این فساد و هدررفت زیست‌محیطی هم هزینه جمع‌کردن این خرابکاری خود را پرداخت نمی‌کنند (جهانیان، زمستان ۱۳۹۷).

ب) تا زمانی که جوامع غیر حق‌مدار از لحاظ داخلی مترفان بر امورشان حاکم و از لحاظ خارجی با جوامع حق‌مدار درگیر نشده باشند، می‌توانند به توسعه پایدار مادی خود در چارچوب سنت امداد ادامه دهند؛ اما هنگامی که مترفان بر امور جامعه مسلط شده و انواع فسق و فجور را اقامه کنند و از سوی دیگر، با جوامع حق‌مدار درگیر شده و خواهان محو ایمان به رسالت خاتم شده و به تکذیب آیات الهی روی آورند، در این صورت، خداوند حکیم همان‌طور که سنت تدمیر و استیصال را در مورد جوامع گذشته جاری کرد، در مورد این جوامع هم این سنت را جاری کرده و نهایتاً جامعه حق‌مدار را در سرتاسر گیتی گسترش خواهد داد.

نتیجه‌گیری

این مقاله به دنبال راز پیشرفت پایدار از منظر سنت‌های الهی اجتماعی بود. در حل این مسئله توسعه پایدار و ارتباط آن با پیشرفت پایدار تبیین و همچنین به سنت‌هایی اشاره شد که قرآن کریم آنها را نسبت به پیشرفت پایدار و حق‌مدار و توسعه پایدار غیر حق‌مدار مطرح می‌کند. نتایج پژوهش را می‌توان در موارد زیر دانست:

۱. مطابق سنت امداد، خداوند سبحان هر فرد و اجتماع و جامعه‌ای را که تلاش کند کمک می‌کند. از این رو می‌توان پیشرفت تکاثری و پیشرفت کوثری داشت. جوامعی که از پیشرفت کوثری

برخوردارند، مطابق با دو اراده تکوینی و تشریحی (مشیت جزم و عزم) خداوند متعال است؛ اما جوامعی که از پیشرفت نکاتری برخوردارند، فقط در چارچوب تأییدات اراده تکوینی (مشیت جزم) قرار دارند.

۲. به جهت تفاوتی که بین دو نوع یادشده از امداد وجود دارد یکی توسعه پایدار است و دیگر پیشرفت پایدار. این تفاوت به جزء دوم هم سرایت می‌کند و مناسب می‌نماید که برای اولی از واژه دوام استفاده کنیم و برای دومی از واژه پایداری.

۳. تفاوت این دو صرفاً در پیشرفت سعادت‌مندان (دنیوی، معنوی و اخروی) و پیشرفت شقاوت‌مندان یعنی پیشرفت در کیفیت نیست، بلکه در کیفیت و کمیت است. بر اساس سنت‌های دیگر که ذکر آن در این مقاله آمد، جوامع حق‌مدار از آنجایی که از سوی نیروهای جهان کمک می‌شوند از پایایی برخوردارند و جوامع سکولار چنین حمایت ویژه‌ای را ندارند. جوامع حق‌مدار از کفر، شرک، نفاق و ظلم و انواع متنوع آن و بسیاری از عوامل دیگری که موجب انحطاط جوامع‌اند به دورند و نیز از صبر و استقامت و ویژگی‌های مثبت منشی و کنشی برخوردارند. این چنین جامعه‌ای هم از حیث کیفیت دارای مسئولیت اجتماعی است و هم از حیث کمیت به جهت هم‌سو بودن با اهداف آفرینش، با سرعت بیشتری به سمت پیشرفت همه جانبه حرکت می‌کند.

۴. پایداری نظام‌های سکولار از آن جهت است که ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و سازمان‌های خاصی را ترویج کرده و جهان اجتماعی ویژه‌ای را اعتبار و ایجاد می‌کنند. پایداری هنگامی ایجاد می‌شود که ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و سازمان‌های خاص تا حد زیادی با توجه به شرایط زمان و مکان، حفظ شوند. این نتیجه مرهون سنت امداد می‌باشد.

منابع و مأخذ

❖ قرآن کریم.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۴، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۴. ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. آربلاستر، آنتونی، ظهور و سقوط لیبرالیسم، ترجمه: عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۶۷ش.
۶. امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
۷. بشلر، ژان، خاستگاه های سرمایه داری، ترجمه: رامین کامران، تهران: نشر البرز، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
۸. ترخان، قاسم، تحلیل انتقادی سند توسعه پایدار با نگاه به سنت های الهی، شیعه شناخت، سال اول شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۹۸ش.
۹. ترخان، قاسم، مدل سبک زندگی برآیندی از جهان شناسی، قیسات، دوره ۱۸، شماره ۶۹، پاییز ۱۳۹۲ش.
۱۰. جهانیان، ناصر، فقه وقف و چالش های آن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹ش.
۱۱. جهانیان، ناصر، نقدی بر دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، اقتصاد اسلامی، شماره ۷۲، زمستان ۱۳۹۷ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، محقق: عبدالکریم عابدینی، قم: اسراء، ۱۳۸۸ش.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق: سیدغلامرضا خسروی حسینی، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. رجبی، محمود، «قانونمندی جامعه و تاریخ»، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳ ش.
۱۵. زبیدی، مرتضی محمد بن محمد، تاج العروس، محقق/مصحح: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (صبحی صالحی)، قم: دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. صدر، سید محمد باقر، المدرسة القرآنية، قم: مركز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ۱۳۹۸ ق.
۱۸. -----، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه: سید جمال الدین موسوی اصفهانی، تهران: نشر تفاهم، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی/هاشم رسولی، ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، ج ۳، تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی/ ابراهیم السامرائی، تصحیح اسعد الطیب، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. فضل الله، سید محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.
۲۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: موسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.

۲۶. قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
۲۷. کاشانی، انسیه و نظریور، محمدتقی، «جایگاه سنت رزق در پیشرفت اقتصادی توحیدی از دیدگاه قرآن کریم»، راهبرد توسعه، شماره ۵۶، ۱۳۹۷ش.
۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، محقق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن کریم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۱ش.
۳۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مؤسسه الطباعة والنشر وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۱ش.
۳۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۵، چ ۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
۳۳. -----، مجموعه آثار، ج ۲۳، چ ۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
۳۴. -----، مجموعه آثار، ج ۲۹، چ ۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۴.
۳۵. معصومی‌نیا، علی و رشیدیان، سمیه، «نگرش اسلام به رفاه اقتصادی»، معرفت اقتصادی اسلامی، سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ش.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.
۳۷. نمازی، حسین، دادگر، یدالله، ارتباط اقتصاد متعارف با اقتصاد ارتدکس و اقتصاد اخلاق‌مدار: موضوعات انتخابی در اقتصاد و اقتصاد اسلامی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵ش.
۳۸. هادوی‌نیا، علی اصغر، انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۳۹. هادوی‌نیا، علی اصغر، فلسفه اقتصاد (در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.

40. Daly, Herman E., Beyond Growth: The Economics of Sustainable Development, Boston, Beacon Press, 1996.
41. Elliott, Jennifer A., An Introduction to Sustainable Development, London, Routledge, Taylor & Francis e-Library, 2006.
42. Harris, Jonathan M., A Survey of Sustainable Development: Social and Economic Dimensions, edited by Jonathan M. Harris, Washington, Island Press, 2001.
43. OECD, The DAC Guidelines, Strategies for Sustainable Development: Guidance for Development Co-operation, Paris, OECD Publications Service, 2001.
44. <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/suicide-rate-by-country#dataTable>.

۷۴

فران پروجی

قاسم
ترخان